

UlumhadithTwenty- sixth No 1
Winter (Mar- June 2021)**فصلنامه علمی علوم حدیث**سال بیست و ششم شماره ۱ (پیاپی ۹۹)
بهار، ص ۱۰۴ - ۱۳۱**بررسی دیدگاه اندیشمندان مسلمان درباره مدیریت زنان و مفاد روایت****«لن یفلح قوم اسندوا امرهم الی امرأة»**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۳۱

مهناز عباسی^۱**چکیده**

فرودست شمردن زنان، نادیده گرفتن توانایی‌های آنان و ناکارآمد دانستن مدیریت زنان، یکی از جریان‌های قابل مشاهده در تاریخ جوامع، از جمله جوامع مسلمان است. مطالعه موردی این پژوهش روایت «لن یفلح قوم اسندوا امرهم الی امرأة» است. بررسی آرای موافقان و مخالفان روایت، عوامل و زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی صدور و پذیرش چنین روایاتی، مسأله پژوهش حاضر است.

طی این جستار، با روش پژوهش تحلیل انتقادی، تفکرات محدود کننده‌ای بازتابی می‌گردد که به تدریج، با بازگشت به سنن جاهلی، زنان را نه تنها از مدیریت و تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی و اجتماعی، که از سواد آموزی، رفتن به بازار و حتی حضور در مساجد نیز نهی کرده و تا حصر خانگی زنان پیش می‌رود. فارغ از بحث‌های مربوط به تاریخ‌گذاری این حدیث و با فرض صحت، روایت از قرن دوم تا هشتم هجری مورد قبول اغلب جریان‌های فکری جامعه اهل سنت بوده و به دلیل کثرت نقل، وارد متون حدیثی شیعی، مانند الخلاف و بحار الانوار نیز گردیده است. با وجود ورود به منابع شیعی این تفکر در میان شیعیان طرفداران کمتری دارد. با مطالعه شرایط تاریخی دهه‌های اولیه متوجه می‌شویم که عوامل و زمینه‌هایی مانند فتوحات، سرگرم شدن صحابه و تابعین به جنگ، اعمال سلیقه‌های فردی خلفا باعث برگشت به سنت‌های جاهلی قبیله‌ای و نادیده گرفتن زنان می‌شوند. جریان نواندیش دینی، با نگاه منتقدانه،

۱. استادیار دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء (m.abbasi@alzahra.ac.ir).

معتقد است متن این گونه روایات چه جعلی دانسته شود و چه برخاسته از فهم تاریخی و منطقه‌ای، نتیجه حاصل از آن، دور افکندن چنین روایاتی است.
کلیدواژه‌ها: مدیریت، زن، روایت لن یفلح، تطور.

مقدمه

سیر تاریخی اندیشه مسلمانان انعکاس دهنده تفکری است که طی آن، برخی از مسلمانان پس از رحلت پیامبر ﷺ، با تکیه بر تاویل‌ها و برداشت‌های خود از متون روایات، زنان را در جایگاه پایین‌تر دیده، گروه روایاتی که با تفاوت اندک در متن، عدم جواز مدیریت زنان را بیان می‌کنند، از جمله این روایت است:

لن یفلح قوم قاندهم امرأة.^۱

به منظور دستیابی به تحلیل و فهم حقیقت متون اسلامی و روایات، بسنده کردن به الفاظ ذکر شده در متن روایت و در نظر گرفتن سلسله سند مفید فایده نیست. با تعمقی ابتدایی در این متون به سادگی می‌توان دریافت که برداشت‌های افراد از متن روایات هنگام گفتگو با پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت، سطح فهم آن‌ها و حتی شرایط معیشتی، ساختار غالب ارزشی، فرهنگ رایج، نوع تفکر نظام سیاسی حاکم، همه و همه در چگونگی ادراک از متون دینی اثرگذار است و برای فهم روایات باید تمامی آن موارد را در نظر داشت.

عده‌ای فراتر رفته و معتقدند که شاید چنین گفتمانی (نادیده گرفتن زنان) با گفتمان حاکم بر حجاز عصر پیامبر ﷺ سازگاری داشته، به ویژه که شواهدی در روایات دیگر نیز دارد. اصلاحات پیامبر ﷺ نیز در حد ظرفیت تاریخی قومش بوده و با وجود تلاش بسیار زیاد حضرت، برخی مشکلات اجتماعی و فرهنگی تا بعد از دوران رسالت حضرت نیز پابرجا ماند؛ مانند برده‌داری یا نگاه فرودستانه به زنان.

عده‌ای نیز تصور دست دومی درباره زنان را محصول تنش‌های مختلف مذهبی و سیاسی جامعه اسلامی می‌دانند. از پیامدهای فتوحات ورود اندیشه‌ها و جریان‌های فکری جدید به فضای فکری جامعه نوپای اسلامی بود. این جریانات در دو قرن اول هجری بر ذهن راویان نیز تأثیر مستقیم داشت. شناخت شرایط تاریخی و اجتماعی آن دوران در فهم متون روایات آن

۱. المصنف فی الاحادیث، ج ۸، ص ۷۱۱.

دوره کمک شایان توجهی خواهد کرد. بدون شک، علم تاریخ برای بازخوانی روایت‌ها که در واقع گفتگوی دو شخص در زمان گذشته است، راهنمای مؤثری است.

پیشینه

درباره این روایت، علاوه بر وجود کتب روایی و شروح فراوان، مطالعاتی صورت گرفته است. محور بحث در مقاله وزین «تاریخ‌گذاری حدیث لن یفلح قوم ولوا امرهم امراً» از معصومه ربیعان و رحمان ستایش و «بررسی روایی مدیریت زنان» از علی آقا پیروز، تاریخ‌گذاری این روایت و بررسی فقهی و روایی مدیریت زنان بوده است. مقاله دیگر از محمد رحیم اسفیدانی است که در آن به بررسی موانع دستیابی زنان به پست‌های مدیریتی می‌پردازد؛ ولی در مقاله پیش‌رو در صدد بررسی آرای موافقان و مخالفان روایت، عوامل و زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی صدور و پذیرش چنین روایاتی هستیم.

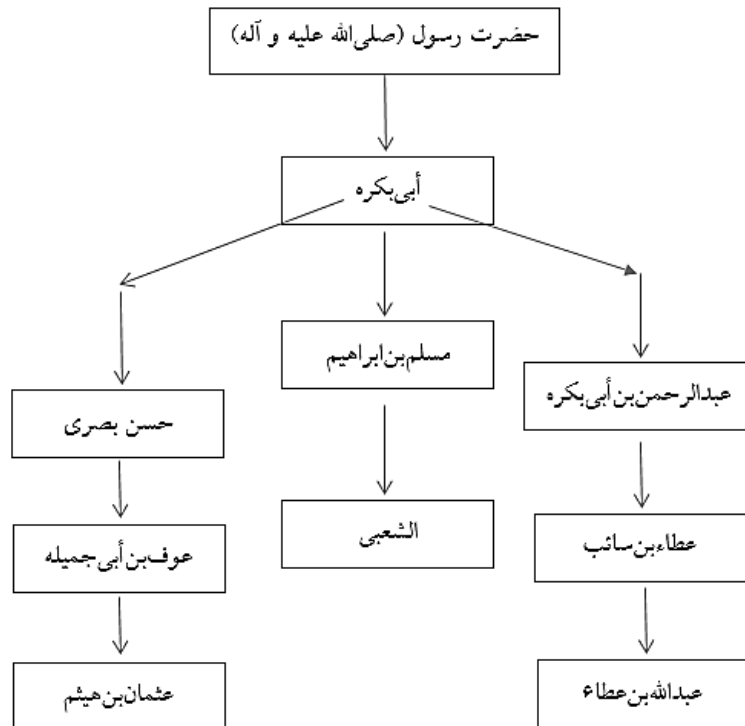
طرح مسأله

در برخی متون روایی با استناد به گروه روایات «لن یفلح»، مدیریت زنان را عامل شکست و ناکارآمدی معرفی می‌کنند. در این دسته روایات، با برشمردن صفت‌های خاص برای زنان، شایستگی زنان برای سرپرستی و مدیریت امور جامعه زیر سؤال می‌رود. در این پژوهش درموضوع مدیریت زنان، با استناد به روایتی از پیامبر ﷺ مورد بررسی قرار گرفته است.^۱ در حدیثی از حسن بصری، از «ابوبکر» نقل شده است که می‌گوید:

من سخنی از پیامبر ﷺ شنیده بودم که در ایام جنگ جمل برای من بسیار مفید بود؛ چرا که نزدیک بود به لشکر جمل بپیوندم و همراه آن‌ها بجنگم و آن سخن، این بود که وقتی این خبر به پیامبر ﷺ رسید که گروهی از ایرانیان دختر کسرا را به پادشاهی برگزیده‌اند، فرمود: هر قوم و ملتی که زنی را زمامدار خود کند، روی رستگاری را نخواهد دید. همین امر، سبب شد تا لشکر جمل را - که عایشه بر آن‌ها حکومت می‌کرد - رها کنم.

طرق روایی که این حدیث را نقل می‌کند، در نمودار ذیل نمایش داده می‌شود:

۱. لقد نفعني الله بكلمه سمعتها من رسول الله ﷺ أيام جمل، بعد ما كدت ان الحق باصحاب الجمل، فاقاتل معهم، قال: لما بلغ رسول الله ﷺ ان اهل الفارس قد ملكوا عليهم بنت كسرى قال: «لن يفلح قوم ولوا امرهم امراه» (صحيح البخاري، ج ۸، ص ۹۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۱۹).



این روایت، با تغییرات اندکی در متن حدیث، از دو طریق در جامعه روایی اهل سنت نقل می‌شود. طریق اول از ابوبکره است که اسناد آن را از نه منبع معتبر روایی نقل می‌کنند و طریق دوم از جابر بن سمره است که از معجم الاوسط حافظ طبرانی نقل می‌کنند. این روایت را ترمذی از ابی بکره نقل کرده و سند آن را صحیح دانسته است.^۱ از جابر بن سمره هم نقل شده که پیامبر فرمودند:

لن یفلح قوم یملک رأیهم امرأة.^۲ برای رعایت اختصار در این پژوهش از روایت با عنوان لن یفلح نام می‌بریم.

فارغ از همه بحث‌های دامنه‌دار که درباره چرایی صدور این روایت، متن و سند دقیق آن، کشف انگیزه اصلی راوی آن، تاریخ پیشنهادی صدور روایت و «تاریخ‌گذاری» آن وجود دارد،

۱. سنن الترمذی، باب ۶۴.

۲. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۵، ص ۲۱۲.

جامعه علمی مسلمانان در برابر مفهوم این روایت به دو گروه موافقان و مخالفان تقسیم می‌شوند. با تأمل در الفاظ و سند این روایت و روایات مشابه می‌توان به درک پیش‌زمینه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی که باعث صدور یا رواج چنین روایاتی گردیده، نایل شد.

سؤال پژوهش

۱. آیا برداشت‌های اندیشمندان مسلمان طی قرن‌های گذشته درباره مفهوم این حدیث یکسان بوده است؟

۲. زمینه‌ها و بسترهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی نقل و پذیرش این روایت کدام‌هاست؟

در دهه‌های پایانی قرن اول هجری، روایات زیادی نقل و تکرار می‌شد که در همه آن‌ها یک عنصر مشترک وجود داشت و آن تنزل جایگاه و موقعیت زنان بود. باور به رجحان، گوشه‌نشینی و انزوای زنان به تدریج به فرهنگ پس‌زدن زنان مبدل شد. در مقدمه باید گفت که موضوع مدیریت زنان بین اندیشمندان و فقها با اختلاف نظر جدی رو به رو بوده است.

- گروهی با مدیریت زنان و اساساً حضور اجتماعی زنان مخالف بوده و با اتکا به سنت‌های رفتاری گذشتگان، وی را محدود به خانه‌داری و تربیت فرزند می‌دانستند؛

- گروهی نیز مدیریت زنان را جایز یا مباح می‌دانند؛

- گروهی نیز با مدیریت زنان تنها در سطح زمامداری و حکومت مخالف بوده و مدیریت‌های خرد را برای آنان مجاز می‌دانند.

در این طیف وسیع‌ال‌آرا و اندیشه‌های مرتبط با مدیریت زنان به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

۱. افرادی که این روایت و روایات مشابه را نقل یا تلقی به قبول کرده‌اند (قبول روایت)؛

۲. افرادی که این روایت و روایات مشابه را غیر صحیح یا جعلی دانسته‌اند (عدم قبول روایت).

۱. قبول روایت

می‌توان گفت که از قرن دوم تا هشتم هجری روایات لن یفلح مورد قبول همه گروه‌ها و جریان‌های فکری جامعه اسلامی بوده است. متن روایت نیز در این میان، دستخوش تغییر عمده‌ای، چه در مفهوم و چه در الفاظ نگردیده است؛ ولی طی این سالیان دراز اندیشه تقویت‌کننده این دست مفاهیم علیه زنان تشدید و تثبیت گردید. این گروه با استناد به آیات

و روایاتی که در ذیل می‌آید، باور خود را استحکام بخشیدند:

آیه قوامیت مرد بر زن: «مردان سرپرست زنان‌اند، به سبب برتری‌هایی که خدا به برخی از آنان در برابر برخی دیگر داده است».

آیه شهادت: «یک تن مرد و دوزن، هر که را طرفین راضی شوند، گواه گیرند که اگر یک نفر آن‌ها فراموش کند، دیگری را در خاطر باشد» (در این آیه به فراموش کاری زنان اشاره می‌شود).^۲

آیه حلیه: «آیا کسی را فرزند خدا می‌خوانند که در زر و زیور پرورش یافته و هنگام مجادله بیانش غیر روشن است؟».^۳

«مکرو حيله شما زنان بسیار بزرگ و حیرت انگیز است».^۴

«اموالی که خدا زندگانی شما را در این مقرر داشته به تصرف سفیهان ندهید».^۵

«در خانه‌های خود بمانید».^۶

«و مردان بر آنان برتری دارند».^۷

و روایاتی مانند «منع از مشورت با زنان»^۸، «روایات نقصان عقل زنان»^۹، «شرو عقرب دانستن زنان»^{۱۰} و «نهی از اطاعت و تدبیر زنان»^{۱۱}.

گزارشی از راویان و شارحان موافق روایت لن یفلح

اگر بر مبنای مطالعات حدیث‌شناسی جدید، صرف وجود این روایت در کتب رسمی و

۱. «الرِّجَالُ قَوَّاهُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (سوره نساء، آیه ۳۴).

۲. «... فَرَجَلٌ وَأَمْرَاتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» (سوره بقره، آیه ۲۸۲).

۳. «وَمَنْ يُنْشِئُوا فِي الْجُلَيْهِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ» (سوره زخرف، آیه ۱۸). اشاره به دختر دانستن فرشتگان الهی توسط مشرکان.

۴. «إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ» (سوره یوسف، آیه ۲۸).

۵. «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (سوره نساء، آیه ۵).

۶. «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» (سوره احزاب، آیه ۳۳).

۷. «وَالرِّجَالُ عَلَى نِسَائِهِمْ دَرَجَةٌ» (سوره بقره، آیه ۲۲۸).

۸. ایاک و مشاوره النساء فان رایهن الی الافن و عزمهن الی الوهن... (و مشاوره و خالفوهن) (الاصول من الکافی، ج ۱۵، ص ۳۳۸؛ مستدرک الوسائل، ص ۱۸۲).

۹. معاشر الناس، ان النساء نواقص الايمان، نواقص الحفظ، نواقص العقول (نهج البلاغه، خطبه ۸۰؛ سنن الترمذی، ص ۱۲۲؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۷۸).

۱۰. المراه عقرب حلوه للسهه (غرا الحکم و درر الکلم، ص ۱۰۳؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۶۹).

۱۱. معاشر الناس لا تطيعوا النساء علی کل حال ولا تأمنوهن علی مال ولا تذروهن یذرن امر العیال... فاننا وجدناهن لا ورع لهن عند حاجتهن... یتهافتن بالبهتان و یتماذن فی الطغیان و یتصدین للشیطان فداروهن علی کل حال (علل الشرايع، ج ۲، ص ۵۱۳).

مسندها دلیل بر صحت این روایت قلمداد شود، باید ابتدا اسامی شارحان و محدثانی که این روایت را از اولین سال‌ها تلقی به قبول کرده‌اند، به ترتیب تاریخی ذکر گردد. آنگاه به چگونگی تطور تلقی روایت در منابع اهل تسنن و شیعی پرداخته شود. این روایت در کتاب‌های فقهی و شرح حدیث به قرار زیر مشاهده می‌شود:

مسند الطیالسی (م ۲۰۴ق)، ص ۱۱۸.

مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق) ج ۵، ص ۳۸، ۴۲، ۴۷، ۵۰.

صحیح البخاری (م ۲۵۶ق) ج ۵، ص ۱۳۶، ج ۸، ص ۹۷.

سنن الترمذی (م ۲۷۹ق)، ج ۳، ص ۳۶۰، ج ۴، ص ۵۲۷.

سنن النسائی (م ۳۰۳ق)، ج ۸، ص ۲۲۷.

سنن الکبری (نسائی)، ج ۳، ص ۴۶۵، ح ۵۹۳۷.

معجم الاوسط (م ۳۶۰ق)، ص ۱۲۳.

المستدرک (م ۴۰۵ق)، ج ۳، ص ۱۱۹؛ ج ۴، ص ۲۹۱.

سنن البیهقی، ج ۳، ص ۹۰.

سنن الکبری بیهقی (م ۴۵۸ق)، ج ۱۰، ص ۱۱۸.

معالم التنزیل (م ۵۱۶ق)، ج ۳، ص ۴۰۸.

البدایه و النهایه (م ۷۷۴ق)، ج ۲، ص ۲۶ و ج ۴، ص ۱۳۵.

ناگفته نماند، این حدیث در سه مورد از کتاب‌های صحاح سته، سنن ابی داود، سنن ابن ماجه (م ۲۷۳ق) و صحیح مسلم نیامده است؛ گرچه در صحیح مسلم روایات دیگر با مفهوم نکوهش زنان آمده است.^۱ برای این اساس از طیالسی (م ۲۰۴ق) - که اولین فردی است که روایت را اواخر قرن دوم ثبت کرده - تا ابن کثیر (م ۷۷۴ق) در قرن هشتم هجری، شارحان و محدثان متن روایت را با تغییرات اندک آورده‌اند. این روایت و روایات مشابه از قرن ۲-۸ هجری مورد قبول بوده‌اند. البته از قرن دوم تا چهارم تنها در جایگاه تاریخی و تفسیری مورد استفاده قرار می‌گرفتند و به تدریج، از ابتدای قرن چهارم این روایت در جایگاه فقهی مورد قبول و استناد قرار گرفت. استفاده از این روایت در کتب معتبر فقهی شیعه و سنی تقریباً همزمان از «قرن چهارم هجری» آغاز شد؛^۲ بدین گونه، اولین فردی که روایت را در مفهوم «نهی

۱. «بررسی روایی مدیریت زنان»، ص ۳۳-۵۶.

۲. «تاریخ‌گذاری حدیث لن یفلح قوم...»، ص ۳۱ و ۲۰.

از به کارگیری زنان در مشاغل حکومتی یا قضاوت» مورد استناد قرار داد، نسایی (م ۳۰۳ق) بود که روایت را در باب «النهی عن استعمال النساء فی الحکم» به کار گرفت.^۱

مجموع این روایات، باور اهل تسنن درباره عدم شایستگی زنان برای زمامداری را شکل می دهد. متن این روایت در دهه های بعد به علت نقل مستمر وارد متون حدیثی شیعه نیز گردید و به تدریج این باور در برخی کتب فقهی شیعه^۲ نیز رخ نمایاند؛^۳ گرچه طیف مخالفت با مدیریت های زنان از عدم جواز زمامداری و حکومت تا مدیریت های سطوح پایین و نیز ناکارآمدی زنان در این عرصه را در بر می گیرد. برخی از راویان اهل سنت (مانند ابن ابی شیبیه) برای گریز از انتقادات تند به جناب عایشه، این روایت را فقط درباره پوراندهخت، دختر کسری پادشاه ایران می دانند.^۴

اما سیرارجاع به حدیث لن یفلح در جامعه روایی و فتوایی شیعی مقداری متفاوت با آنچه در میان اهل سنت روی داده، پیش رفته است. بر حسب تقدم زمانی، مهم ترین کتب و محدثین شیعی که روایت لن یفلح را در آثار خود آورده اند، عبارت اند از:

- محمد بن نعمان مغربی (۲۹۰-۳۶۳ق)

- شیخ مفید (م ۴۱۳ق)،

- شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق)،

- قطب الدین راوندی (۵۷۳ق)،

- ابن بطریق (م ۶۰۰ق)،

- ابن ابی الحدید (م ۶۵۶ق).

- سید بن طاووس (م ۶۶۴ق)،

- علی بن یونس نباطی بیاضی (م ۸۷۷ق)،

- ابن شعبه حرانی (متوفای قبل از قرن ۱۰ق)،

- محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق).

با مروری بر نقل این حدیث در کتب شیعی مشخص می شود که این روایت به دو صورت مرسل یا با سلسله اسناد منتهی به ابوبکره نقل شده است. نقل مستند متقدمی که با این

۱. سنن النسائی، ج ۶، ص ۲۱۳.

۲. مانند الخلاف، ج ۶، ص ۲۱۳.

۳. «تاریخ گذاری حدیث لن یفلح قوم...»، ص ۲۰-۴۰.

۴. تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۷۸۴؛ المصنف، ص ۷۱۱.

موضوع در جامعه روایی شیعی می‌توان یافت، عبارت است از:

شریک بن عبدالله، باسناده، عَنْ أَبِي بَكْرٍ، قَالَ: لَمَّا قَدَمَتِ عَائِشَةُ أَرَدَتْ الْخُرُوجَ مَعَهَا، فَذَكَرْتُ حَدِيثاً سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ إِنَّهُ: «لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ جَعَلُوا أَمْرَهُمْ إِلَى امْرَأَةٍ».

نویسنده در این بخش از کتاب مشغول ذکر طعن‌های مختلفی است که در واقعه جمل به عایشه زده شده است و نمونه‌ای از این طعن‌ها را با سلسله سند آن نزد اهل سنت ذکر کرده است. پس وی را نمی‌توان جزو معتقدان به صحت این روایت برشمرد، بلکه کلام وی حاوی این مطلب است که طعن به عایشه و انداز مردم از پیروی زیاده‌خواهی‌های او از زمان پیامبر هم نقل شده بوده و در کتب فریقین آمده است.^۱

ابن طاووس مشابه این رویه را به کار بسته،^۲ وی به صراحت اعلام می‌کند که به دلیل اتهام شیعیان به غلو و کفر، به منابع اهل سنت استدلال می‌کند و با کلام خودشان حجت را بر آنان تمام می‌کند. ایشان کمتر از نصف کتابشان را به اختلافات خلفا و کسانی همچون عایشه یا اهل بیت علیهم‌السلام اختصاص داده است و شواهد این مخالفت‌های آنان را از قرآن و سنت نبوی ذکر نموده است. مشخصاً نقل این روایت در فصلی با عنوان «فی عدم مساعدتهم لفاطمه مساعدتهم لعایشه» طعنی است بر اهل سنت که چرا با همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ایجاد فتنه همراهی کرده، ولی دخترایشان فاطمه علیها‌السلام را تنها گذاشتید! آن هم در وضعیتی که اهل سنت در منابع خود روایت طعن عایشه را دارند، ولی چیزی دال بر طعن فاطمه علیها‌السلام در منابع شان وجود ندارد.

از شیخ مفید نیز چنین رویکردی دیده می‌شود. وی در اثر گرانقدرش با موضوع امام علی علیه‌السلام و جریان واقعه جمل، ضمن شرح اعتقادات مذاهب اسلامی در خصوص این فتنه، سبب آن را نیز بازگو کرده است. شیخ مفید روایت لن یفلح را با قید «رؤی» نقل می‌کند و آن را منتسب به حضرت نمی‌داند؛ چرا که چنین قیدی در علم حدیث به معنای عدم اطمینان راوی از صحت روایت است. به علاوه، شیخ به جهت خروج از اتهام تعصب، استنادات خود را مستند به اسناد اهل سنت کرده است.^۳

این روایت یک بار به صورت مستقل و چندین بار به صورت نقل از منابعی که در این

۱. شرح الاخبار فی فضائل ائمه الاطهار، ج ۱ ص ۳۹۶.

۲. الطرائف، ج ۱، ص ۲۸۶.

۳. الجمل، ص ۲۹۷.

مقاله به آن اشاره شده، در بحار الانوار آمده است. نویسنده این روایت را در باب احوال جنگ جمل بیان کرده است و آن را مربوط به عایشه می‌داند؛ نه این‌که در بابی مربوط به مسائل زنان آورده باشد.^۱ این موضوع نشان‌گر وجه دلالت حدیث از سوی مجلسی است. وی نیز موضوع روایت را پیش‌گویی پیامبر ﷺ از آینده عایشه می‌داند. همچنین در طریقه نقل این روایت، مجلسی کلام را به پیامبر ﷺ منتسب نکرده، بلکه می‌گوید که در صحیح البخاری چنین مطلبی نقل شده است. گویی، مجلسی با آوردن این روایت در فصل مذکور بحار الانوار قصد داشته بگوید آنچه به عنوان طعن به عایشه به سبب راه انداختن جنگ جمل در بین شیعیان رایج است، تنها دیدگاه شیعه نیست و در معتبرترین کتاب اهل سنت هم نقل شده است.

ابن بطریق با هدف گردآوری روایات فضایل پیامبر و ائمه، ضمن نقل روایت از صحیح البخاری آن را به عنوان طعنی بر عایشه نقل کرده است! بیانی جالب‌تر از مواجهه با چنین روایاتی را ذهبی آورده است:

آن‌ها را باید پنهان سازیم و حتی باید نابود کنیم تا آن‌که دل‌ها درباره اصحاب صاف شود و همگان ایشان را دوست بدارند و از آنان خشنود و راضی باشند.^۲

وضوح بیشتر چنین رفتاری را از عکبری می‌توان دید. وی می‌گوید:

نباید کتاب‌های جنگ صفین و جنگ جمل و رخدادهای کشته شدن عثمان و دیگر نزاع‌های رخ نموده در میان صحابه را مطالعه نمود. نگاشتن و ثبت مکتوب چنین مطالبی و حتی خواندن و شنیدن این مطالب جایز نیست؛ زیرا که دانشمندان بزرگ امت چنین دستوری داده‌اند.^۳

دو نقل توأم با شک هم در شرح نهج البلاغه از این روایت آمده است.^۴ گرچه ابن ابی الحدید را شیعه نمی‌دانند، ولی ارجاع به شرح وی در مطالعات شیعی مرسوم است. با رجوع به هردوی این روایات مشخص می‌شود که وی مانند راویان شیعه از انتساب این روایت به پیامبر خاتم ﷺ مطمئن نیست و با الفاظی مانند «قد زوی» و «جاء فی الخبر» برای نقل آن

۱. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۹۴؛ عمدة عیون صحاح الاخبار، ص ۴۵۵.

۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۹۲.

۳. الشرح و الابانه على اصول السنه و الدیانه، ص ۶۳.

۴. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۲۷؛ ج ۹، ص ۱۹۲.

استفاده کرده است. البته از آنجا که وی در این کتاب باب بندی خاصی را پی گیری نکرده است، نمی توان به مراد روایت با نقل آن در جایگاهش پی برد.

نقل های مرسلی که برای روایت مذکور می توان بر شمرد بدین شرح است:
راوندی این روایت را به صورت مرسل ذکر کرده است.^۱ حُرّانی نیز نقل مرسل دیگری آورده و در بخشی با عنوان «و روی عنه» به نقل روایاتی منسوب به پیامبر خاتم اقدام کرده است. روشن است که انتخاب چنین عنوانی برای احادیث بخش مذکور، نشان از عدم اثبات نسبت روایت به پیامبر نزد راوی دارد.^۲

در کتاب نباطی به عنوان سندی متأخر، در خلال متنی مناظره گونه، برای طعن به عایشه به روایت مذکور استناد شده است که نشان از جایگاه و کاربرد روایت نزد متأخران پیش از مجلسی دارد.^۳

در کنار کتب حدیثی یا تاریخی، گاه این روایت را در کتب فقهی شیعی می توان یافت؛ مانند الخلاف که مورد استناد بسیار نیز واقع شده است. دلیل نگارش این کتاب از سوی شیخ، مقایسه فقه فریقین اعلام گردیده و نه بیان فتاوی فقهی؛ همان گونه که خود، نیز در مقدمه، کتاب تهذیب الاحکام و الاستبصار را حاوی فتاوی فقهی خود اعلام می دارد. وی در نقل روایت این گونه نگاشته است:

وقال أبوحنيفة: يجوز أن تكون قاضية فيما يجوز أن تكون شاهدة فيه، وهو جميع الأحكام إلا الحدود والقصاص. وقال ابن جرير: يجوز أن تكون قاضية في كل ما يجوز أن يكون الرجل قاضياً فيه، لأنها تعد من أهل الاجتهاد.
دلیلنا: أن جواز ذلك يحتاج إلى دليل، لأن القضاء حكم شرعي، فمن يصلح له يحتاج إلى دليل شرعي.

و روی عن النبی ﷺ أنه قال: «لا يفلح قوم وليتهم امرأة». وقال الطبراني: «أخروهن من حيث أخرن الله»، فمن أجاز لها أن تلي القضاء فقد قدمها وأخر الرجل عنها.
وقال: من فاته شيء في صلاته فليسيح، فان التسبيح للرجال والتصفيق للنساء، فإن النبي ﷺ منعها من النطق لئلا يسمع كلامها، مخافة الافتتان بها، فبأن تمنع القضاء الذي

۱. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۷۹.

۲. تحف العقول، ص ۳۵.

۳. الصراط المستقيم، ج ۳، ص ۱۴۲.

یشتمل علی الکلام و غیره آولی.^۱

به نظر می‌رسد مقصود شیخ طوسی این است که فتوای جواز قضاوت بانوان، با مفاهیم روایات اهل تسنن مخالف است و باید دلیلی از جانب ابوحنیفه و ابن جریر طبری برای این فتوا نقل شود. دقت شود که در این مقاله قصد نداریم نظر شیخ طوسی را درباره قضاوت بانوان تحلیل کنیم، بلکه هدف اصلی آن است که شاید نقل وی نتواند مستمسک اعتقاد شیخ به روایت لن یفلح بوده باشد.

در مجموع، سیر تطور روایت لن یفلح در منابع شیعی حاوی نکات زیر است:

- در برخی از مهم‌ترین کتب حدیثی شیعه این روایت نقل نشده است. از جمله آثار حدیثی کلینی (م ۳۲۹ق) و ابن بابویه (م ۳۸۱ق) که قبل از شیخ طوسی، زندگی کرده‌اند.
- راویانی مانند نعمان مغربی یا علی بن یونس نباطی نیز که در منطقه غرب خلافت اسلامی آن روزگار می‌زیستند، روایت را در قالب مناظره و برای پاسخ به رقیب آورده‌اند. شرق خلافت اسلامی به دلیل تغذیه فکری از مرکزیت تمدنی و علمی آن روزگار (بغداد و بصره) نگاه سخت‌گیرانه‌تری نسبت به مباحث زنان داشته است.

- گروهی از راویان ایرانی آن سده‌ها نیز روایت را در قالب «جاء فی الخبر» و «وقد روی» آورده‌اند.
- برخی از محققان معتقدند که این روایت در اصل به صورت پیش‌گویی توسط پیامبر برای انداز مردم از همراهی با عایشه نقل شده است و این نقل نیز به صورت حاشیه‌ای در نزد شیعه جاری بوده است. اما در مقابل، روات اهل سنت برای تطهیر چهره عایشه اقدام به تحریف موضوعی آن کرده‌اند و روایت را مربوط به پادشاهان ایرانی در آن دوران دانسته‌اند. تحلیل‌هایی که نشان از نامربوط بودن این روایت به پادشاهان زن ایرانی دارد، در تحقیق‌های مستقلی ارائه شده است.^۲

هر چه بود، ورود روایت لن یفلح به کتب فقهی شیعی و شهرت آن، باعث تثبیت مفاهیم عدم صلاحیت زنان برای ولایت و قضاوت و ناکارآمد بودن مدیریت آنان گردید. هم‌زمان با عمومی شدن این فهم (نکوهش زنان)، روایات دیگری - که بر حبس زنان در خانه تأکید می‌کردند^۳ - رونق گرفتند و بر این اساس، دیدگاه رایج شیعه نیز برتری خانه‌نشینی جز در

۱. الخلاف، ج ۶، ص ۲۱۳.

۲. التحقيق فی کلمات القرآن، ص ۲۸۶.

۳. النساء عورة فاحبسوهن فی البیوت و استعینوا علیهن بالعری (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۲).

موارد ضروری عنوان شد.^۱

به موازات تغییرات فکری و اعتقادی علمای مسلمان در اواخر قرن یکم به بعد، روایات محدودکننده زنان رشد چشم‌گیری پیدا می‌کند. این روایات، به تدریج بر نگرش و فرهنگ جامعه تأثیر گذاشت و تعریف از زن و نگاه به زن تغییر کرد. زن مبارز معتقد مجاهد شرکت‌کننده در شوراها، بیعت‌ها، مهاجرت‌ها و جنگ‌های عصر نبوی، به زن تحقیر شده منزوی در کنج پستوها تبدیل شد.

مطالب پیش‌گفته تأکید بر این مطلب بود که شاید میان علمای نخستین اهل تسنن و شیعی تفاوتی تئوریک در برداشت از این روایت وجود داشته باشد، و نگاه شیعه مقداری منعطف‌تر و معتدل‌تر بوده، ولی «فرهنگ زیسته» کلیه جوامع اسلامی گویای آن است که شهرت و تسلط این روایت به دلیل نقل مستمر آن در کتب روایی و فقهی بر همه ابعاد حضور اجتماعی زن سایه افکنده است و همه آن کتب به صورت یکسان، عقب‌راندن زنان را از صحنه حیات اجتماعی و سیاسی بازنمایی می‌کنند و در عمل، در بیشتر جوامع اسلامی گذشته، زنان در جایگاه واقعی خود حضور نداشته‌اند و عهده‌دار هیچ منصب مدیریتی نبوده‌اند.

در بخش بعدی به تبیین زمینه و آثار پذیرش روایت خواهیم پرداخت.

پدیده مدیریت زنان در طول تاریخ با واکنش‌های عدیده مخالف روبه‌رو بوده است. دست‌آویز مخالفان دلایل متفاوتی بوده، از قبیل: عدم توانایی ذاتی و ژنتیک زنان، نبود توان عقلی برای احراز چنین پست‌هایی، نبود زمینه‌های فرهنگی لازم برای پذیرش مدیریت زنان، اقتضای شرایط اجتماعی برای عدم باور زنان و در انتها تمسک به دلایلی از متون دینی با وجود تأکید آخرین دین آسمانی بر برابری منزلت فردی انسان‌ها و صراحت قرآن کریم بر لزوم برقراری عدالت بین زن و مرد. گروهی از مسلمانان با تمسک به روایاتی زنان را از حق اجتماعی به نام مدیریت محروم دانسته و تصدی چنین پست‌هایی را از طرف زنان غیر مجاز می‌دانند. پرسش مهم آن است که:

چه زمینه‌هایی تفکرات محدودکننده زنان را به وجود آورد؟ فرهنگ نانوشته جامعه؟ عوامل سیاسی و اجتماعی، زمینه‌های قومی؟ تلقی نفی مدیریت زنان در طول زمان چگونه پدید آمد؟ آثار قبول این گونه روایات کدام است؟ آیا زنان نیز می‌توانند به پست‌های کلان مدیریتی و یا مدیریت خرد برسند یا خیر؟ چرا با تکیه بر استدلال‌هایی نظیر ضعف و نقص

عقل، امارت و قضاوت مناسب زنان دانسته نشده است؟

محقق می‌کوشد تا با طرح فرضیات ممکن به بررسی چرایی محدودیت‌های ایجاد شده در مسير دسترسی زنان به حقوق اجتماعی برابر در زمینه مدیریت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بپردازد.

۱-۱. زمینه فرهنگی

زمینه‌ها و بسترهای قومی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و فکری پذیرش روایت لن یفلح کدام‌هاست؟ در ذیل تعدادی از زمینه‌ها و فرضیات مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

الف. نقش باورهای غلط برآمده از احادیث جعلی و اسرائیلیات درباره زن؛ در عهد عتیق و جدید، زنان موجودی وسوسه‌گر، شرور و فتنه‌گر معرفی می‌شوند و حوا باعث خروج آدم از بهشت می‌شود.^۱ در سِفَر تکوین، ساره زنی حسود معرفی می‌گردد^۲ و... بعدها این افکار، توسط دانشمندان اهل کتاب مسلمان شده در قالب تفاسیر قرآن و روایات به فضای اعتقادی و اخلاقی جامعه مسلمان منتقل گردید. شاید همین برداشت‌های تابعین و تابعین تابعین از آیات و سخنان پیامبر ﷺ زمینه را برای ترویج برخی روایات زن ستیز فراهم می‌آورد. افرادی مانند کعب الاحبار، ابوهریره، وهب بن منبه، ابن ابی العوجاء و سیف بن عمر با نسبت دادن مطالب دروغین و خلاف منطق به اسلام، چهره اسلام را مشوش کرده‌اند.^۳

ب. تفاوت فرهنگ شفاهی یا رفتاری و فرهنگ مکتوب میان مسلمانان دوره‌های مختلف؛ نگاه قرآنی به زن نگاهی انسانی همراه با حفظ کرامت بوده، در آیات قرآن زنان برای رشد معنوی و مادی همدوش مردان قرار می‌گیرند. سیره و سخنان پیامبر گرامی نیز مؤید رویکرد حفظ عزت انسانی است. تلاش ایشان برای ارتقای جایگاه زنان مورد تأیید همه منابع است؛ ولی تحول فرهنگی جامعه عرب بسیار دشوار بوده؛ گرچه حضرت موفق به تغییر برخی باورها و رسوم شدند، اما گاه این تغییرات مقطعی بوده است. بنابراین از نخستین روزهای پس از رحلت شاهد بازگشت به رسوم و فرهنگ جاهلی بوده‌ایم. مقدسی، جغرافی‌نگاری که در قرن چهارم از ایران مسلمان شده دیدن می‌کند، در گزارشی از شهربیار به بیان فرهنگ مردم منطقه در تقبیح ازدواج مجدد زن بیوه پرداخته و می‌نویسد:

۱. گنجینه‌ای از تلمود، سِفَر پیدایش، آیه ۱۷ و سِفَر خروج، آیه ۲۱.

۲. عهد عتیق، فصل ۲۱، آیه ۹ و ۱۰، ص ۳۴؛ التحقيق فی کلمات القرآن، ص ۳۷۸.

۳. تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ص ۴۳ و ۴۴.

در آنجا زنی که شوهرش بمیرد، شوهر نمی‌کند و اگر کرد، کودکان گرد آیند و سنگ به در خانه‌اش پرتاب کنند.^۱

حال، آن‌که فرهنگ قرآنی زن بیوه را پس از عده (چهار ماه و ده روز)^۲ مجازبه ازدواج می‌داند! پ. فقدان پیشرفت علمی (آموزشی و مدیریتی) برای اکثریت زنان جامعه، در نتیجه اعمال سیاست‌های تبعیض آمیز و محروم کردن زنان از امکانات آموزشی و تعلیمی؛ ت. ضعف دستگاه‌های حکومت اسلامی در تأمین امنیت برای همه گروه‌های اجتماعی، به ویژه زنان و به حاشیه رانده شدن زنان برای حفظ سلامت اخلاقی خود. اولویت اصلی حکومت اموی فتوحات و گسترش اراضی بود. عباسیان نیز در سودای حفظ مملکت گسترده اسلامی خویش، قطعاً به جای حفظ امنیت داخلی شهرها به مقابله با تهاجم خارجی و قیام‌های مخالفان می‌پرداختند. در این آشفته بازار سرپرست خانواده، برای حفظ سلامت همسر و دختران، چهاردیواری خانه را امن‌ترین مکان می‌داند. خانه‌نشینی هم پیامدهای خاص فرهنگی خود را دارد.

ث. عدم خودباوری و اعتماد به نفس در زنان در سطوح فردی و اجتماعی به دنبال پذیرش تدریجی و دردناک مفاهیم شربودن،^۳ عقرب بودن،^۴ فتنه بودن، ناکارآمد بودن مدیریت زنان،^۵ عدم مشورت^۶ با آنان، در انتها بهتر دانستن قعر خانه^۷ و احياناً زیر خاک برای آنان؛

ج. حذف تدریجی زنان از بیشتر عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به علت تفکر مردسالارانه حاکم؛

چ. تفکر انحصار زنان در نقش‌های خانگی.

علاوه بر زمینه‌های فکری فرهنگی فوق، پاره‌ای عوامل سیاسی اجتماعی در گرایش به این روایت مؤثر هستند.

۱. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ص ۵۴۷.

۲. «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (سوره بقره، آیه ۲۳۴).

۳. «المراة شرُّ كلِّها و شرُّ ما فیها أنه لابد منها» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۰؛ غرر الحکم، ص ۱۰۳).

۴. «المراه عقرب حلوه اللسه» (بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۸؛ غرر الحکم، ص ۷۶).

۵. «لا یفلح قوم تملیکهم امراه» (مسند ابن حنبل، ص ۴۷ و ۴۳).

۶. «ایاک و مشاوره النساء الا من جرّبت بکمال عقل» (بحار الانوار، ج ۱۰۰، باب ۴، احوال الرجال و النساء، روایت ۵۶، ص ۲۵۴؛ کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۷۷).

۷. «خُلِقَ الرَّجَالُ مِنَ الْأَرْضِ وَإِنَّمَا هُمْ فِي الْأَرْضِ وَخُلِقَتِ الْمَرْأَةُ مِنَ الرَّجَالِ وَإِنَّمَا هُمَا فِي الرَّجَالِ إِحْسُوا نَسَائِكُمْ يَا

مَعَاشِرَ الرَّجَالِ (الکافی، ج ۵، ص ۳۳۷) و النساء عَوْرَةٌ فَاحْسِبُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ وَاسْتَعِينُوا عَلَيْهِنَّ بِالْعُرَى، (مستدرک

الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۲).

۲-۱. زمینه‌های سیاسی

برخی از محققان خاستگاه صدور روایات نکوهش زنان را بصره می‌دانند. «ینبل» در تاریخ‌گذاری روایات فتنه زنان، بصره را پیش‌گام دانسته و معتقد است روایاتی که از طریق معتمر، یحیی بن سعید و ... - که همه بصری هستند - علیه زنان رواج یافته است، غلبه روایات مذمت زنان را در این منطقه نشان می‌دهد.^۱ اصلی‌ترین انگیزه برای رواج چنین روایاتی، انتقاد به عایشه به دلیل حضور در جنگ جمل بود. جنگ جمل محل صف‌کشی دو گروه از صحابی‌ان پیامبر در مقابل یکدیگر بود؛ جنگی که حاصل آن آسیب سنگین بر پیکره حکومت نوپای اسلامی و تفکرواندیشه مردم بود. حمله سخت به زنان از پیامدهای این آسیب است.^۲

جامعه اموی متشکل از فرهنگ‌ها، نژادها، زبان‌ها و ملیت‌های گوناگون بود که وام‌دار عصر راشدین و سفره گسترده فتوحات بودند. در این جامعه ثروت، قدرت و زن به عنوان مثلی همدوش شده و مانند ابزاری در اختیار حاکمیت بود. چنین حاکمیتی به مصلحت خویش نمی‌دید که زن را شریک قدرت خود کرده و در سیاست وارد کند؛ نه فقط زنان، که موالی و نومسلمانان نیز اجازه ورود به قدرت نداشتند.^۳ در عصر عباسیان نیز با آن‌که شیوه سیاستی تسامح و پذیرش اقوام و نژادها داشتند، اما در حیطه زنان همان روش اموی را در پیش گرفتند، زن بی‌بهره از قدرت و در اختیار قدرت قرار گرفت.^۴

۳-۱. زمینه عوامل اجتماعی

پژوهش‌گران عرصه زنان بر آن‌اند که تبعیض‌های جنسیتی ظالمانه بین زنان و مردان، اغلب برخاسته از ساختار اجتماعی جوامع بوده، نه از جانب امور ذاتی و طبیعی. در مقابل، گروهی بر این باورند که این نابرابری‌ها نه تنها ریشه در امور طبیعی خلقت داشته، بلکه برخی گزاره‌های کتاب آسمانی و احکام دینی مستخرج از آن نیز مؤید این تمایز بین زنان و مردان و بلکه برتری مردان بوده است؛ مانند آیات پیش‌گفته ذیل.^۵ علاوه بر آیات، روایات

۱. حدیث اسلامی خواستگاه‌ها و سیر تطور، مقاله ۱۰، «زن و معرفت دینی در جهان اسلام»، ص ۸۹.

۲. «تاریخ‌گذاری حدیث لن یفلح قوم ولوا امرهم امراه»، ص ۱۱.

۳. زنان در نخستین سده‌های اسلامی، ص ۶.

۴. همان، ص ۸.

۵. ﴿وَالرِّجَالُ عَلَىٰ نَجَاتٍ وَالنِّسَاءُ عَلَىٰ الْبُغْضِ﴾ (سوره بقره، آیه ۲۲۸) ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ﴾ (سوره نساء، آیه ۳۴)؛ ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾ (سوره احزاب، آیه ۳۳)؛ نیز روایت نقصان عقل (نهج البلاغه، خطبه ۸۰؛ عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۹۱).

محدودکننده‌ای نیز به منصفه ظهور رسیدند که اغلب به نیمه دوم قرن اول هجری برمی‌گردند. شرایط خاص تاریخی، اجتماعی و فرهنگی این عصر محصول این رویدادها است:

رحلت پیامبر ﷺ به وجود آمدن اولین شکاف سیاسی در زمینه جانشینی حضرت، سر برآوردن از دین برگشتگان و پیامبران دروغین و ضرورت سرکوبی شورش‌های آنان و همزمان انگیزه تصرف سرزمین‌های مجاور و رقم خوردن عصر جدیدی به نام فتوحات. «سرعت فتوح و پیوستن سرزمین‌های گسترده با فرهنگ و آداب متنوع به دارالاسلام، اعراب مسلمان را به کشورگشایی مشغول کرده و از پرداختن به امور آموزشی بازداشت».^۱ بدون شک اداره سرزمین‌های فتح شده نیازمند وجود صحابه و تابعین بود، ولی استقرار صحابه در اراضی مفتوحه باعث به وجود آمدن خلأ فکری و دینی در شهر شد. «پس از فتوحات نسلی از امت‌های مختلف، بدون هیچ تحولی وارد جهان اسلام شدند و سنن و فرهنگ خود را در این میان نشر دادند، یکی از این اندیشه‌ها، باورهای مربوط به زنان بود».^۲ در مجموع سرگرم شدن صحابه و تابعین به جنگ، اعمال سلیقه‌های فردی خلفا و ظهور طبقه فقها، باعث نادیده گرفتن زنان می‌شوند. این فقها تفکر خود و برداشت‌های خود از مفاهیم آیات و برخی از روایات را تحت عنوان تفسیر یا شرح حدیث و فقه یا حتی اخلاق به مردم ارائه می‌کردند و به صدور فتوا می‌پرداختند، بسته به مکاتب فقهی و خاستگاه‌های فکری این فقها، حکم‌های صادره می‌توانستند بسته یا باز باشند.

۲. عدم قبول روایت

گزارشی از راویان مخالف روایت لن یفلح

گرچه عدم نقل روایت را لزوماً نمی‌توان به منزله رد و جعلی شمردن آن دانست، ولی از میان بزرگان اهل تسنن، سه منبع و از میان بزرگان شیعه دو تن این روایت را نیاورده‌اند؛ سنن ابی داود، سنن ابن ماجه (م ۲۷۳ق) و صحیح مسلم. نیز ابن بابویه و کلینی، گرچه قبل از شیخ طوسی زندگی می‌کرده‌اند.

در بدنه جامعه علمی مسلمان طی سالیان اخیر گروهی برآمده‌اند که با تألیف مقالات انتقادی این روایت را بر ساخته می‌دانند و معتقدند طبق شاخص‌های مطرح در

۱. سی سال با تاریخ، ص ۳۸۰.

۲. همان، ص ۳۸۰.

حدیث‌شناسی، این حدیث، قابل اعتنا نبوده و ضعیف محسوب می‌شود؛ چون تنها راوی اصلی آن، شخصی به نام ابوبکره است که وثاقت وی محل تردید است. وی تنها برای رهایی از فتنه همراهی با عایشه و فرار از شرکت در جنگ جمل، به این سخن پیامبر ﷺ - که تنها راوی آن نیز خود اوست - متوسل می‌شود. در این شرایط، جبران ضعف راوی با موضوع دیگری چون تواتر و... صورت نمی‌گیرد و حدیث عملاً غیر قابل اعتنا می‌شود. با اضطرابات موجود در متن و ضعف سند این روایت و عدم سازگاری آن با آیات قرآن و مستندات تاریخی نمی‌توان این سخن را به حضرت منسوب کرد. نکته مهم دیگر، آن‌که راوی پس از گذشت سی سال، این حدیث را به خاطر می‌آورد و آن را تکرار می‌کند که خود از دلایل تضعیف دوباره روایت است.^۱

ظهور مدرنیته در جوامع غربی و در پی آن، رواج اومانیزم (انسان‌مداری) نگرش‌های نوبه حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها را به همراه آورد. رشد فکری و فرهنگی جوامع، از پیامدهای این پدیده اجتماعی بود. در سده‌های اخیر شاهد تحولی اساسی در مبانی فرهنگی جوامع از جمله جامعه مسلمان هستیم. در میان مسلمانان قرن حاضر، جریان فکری نوخواهانه‌ای پدید آمده که طی آن با استناد به آیات قرآن و سیره پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین (ع)، مشارکت زنان را در تمام عرصه‌ها جایز و حتی لازم می‌داند و به نفی دلایل مخالفان می‌پردازد. این گروه با استناد به آیات و روایات نبوی بر حقوق برابر انسانی زنان در کنار مردان در اجتماع تأکید می‌ورزند؛ مانند:

علم آموزی بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.^۲

از برای مردان است بهره‌ای از آنچه کسب کردند و از برای زنان است بهره‌ای از آنچه کسب کردند.^۳

زنان عصر پیامبر خود را شقیقه مردان می‌دانستند.^۴

۱. «تاریخ گذاری حدیث لن یفلح قوم ولوا امرهم امراه»، ص ۳۸؛ «بررسی روایی مدیریت زنان»، ص ۴۵.

۲. طلب العلم فریضة علی کل مسلم ومسلمة (الکافی، ج ۱، ص ۳۰).

۳. «الرَّجَالُ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (سوره نساء، آیه ۳۲).

۴. «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَشِيعِينَ وَالْخَشِيعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (سوره احزاب، آیه ۳۵). شقیقه هر چیزی است که به دو نیم شود و همه حقوق یک نیم به نیم دیگر نیز تعلق دارد.

در این دیدگاه، متون مقدس دین اسلام با مفاهیم مثبت و نوگرایی مدرنیته هیچ تعارضی ندارد. اشتغال زنان به عنوان نیمی از بدنه فعال جامعه حقی مسلم و مدیریت زنان نیز هیچ‌گونه منافاتی با اصول صریح اسلامی ندارد. هم‌اینان اظهار می‌دارند که اگر در جامعه‌ای ایدئولوژی مردسالاری حاکم بوده و مردان از موقعیت مسلط برخوردار باشند، قطعاً زنان از نظر اشتغال، حضور فعال و سایر مواهب اجتماعی از مردان پایین‌تر خواهند بود. اینجاست که می‌توان با اتکا به فهم صحیح دینی برآمده از متون روایی به زنان کمک کرد تا به جایگاه مناسب اجتماعی خود برسند.

آنان معتقدند که هیچ کدام از روایات با مفهوم «مذمت زنان» دربردارنده حکمی تبعیضی نبوده و به لحاظ سندی نیز صحیح و معتبر نیستند و گاهی خبر متواتر نیز نبوده تا چه رسد به این‌که بتوان آن را مستند یک حکم فقهی دانست.^۱ در پاسخ به گروهی که معتقد به حبس زنان هستند، برخی از علمای شیعه معتقدند که گرچه ظاهراً این روایات الزام‌آور می‌نماید، ولی با توجه به این‌که اصل حضور اجتماعی زن امری کاملاً شرعی محسوب می‌شود، این سفارش‌ها را می‌توان تنها توصیه‌هایی اخلاقی تلقی کرد.

چنان‌که در بخش‌های قبلی این پژوهش عنوان شد، بدینی نسبت به زنان، باور به عدم لزوم حضور اجتماعی آنان، تحقیر آنان و عدم شایستگی زنان برای مدیریت، ابتدا باور ذهنی و در سده‌های بعدی به فرهنگ رفتاری مسلمانان بدل شد. مبارزه با نظام‌های ارزشی و خرده فرهنگ‌ها کار آسانی نیست. آنگاه که جو غالب بر فضای فکری جوامع، تحقیر زنان و سرزنش کردن آنان بود، دین‌داران نیز تسلیم همین جو شده‌اند و گاهی آن‌قدر تسلیم می‌شدند که حتی نکوهش و تحقیر زنان را عین دین‌داری می‌دانستند. معیار سنجش آنان نیز همان روایاتی بود که شاید بهترین راهنمای آنان در فهم گزاره‌های دینی محسوب می‌شد. برای یک مسلمان باورمند، انطباق مسائل نوظهور با آیات قرآن، سیره پیامبر، ائمه و سنت جاری مسلمانان معیاری مطمئن برای مصونیت از انحراف محسوب می‌شود. از این رو، در این قسمت از مقاله موضوع «جایگاه اشتغال و مدیریت زنان» در اسلام را با سه معیار ذیل خواهیم سنجید.

۱-۲. قرآن

معیار انحراف هر اندیشه، عمل یا گفتار برای جامعه مسلمانان، عرضه آن تفکر بر آیات

۱. «بررسی کاربری روایات نقصان عقل در مدیریت زنان»، ص ۱۰۳-۱۳۲.

کریم قرآن است. اگر موضوع «اشتغال یا مدیریت» به عنوان یکی از حقوق شناخته شده اجتماعی برای افراد محسوب می شود، آموزه های قرآن نیز تصریح بر رعایت عدالت در حقوق فردی و اجتماعی برای همه اعضای یک جامعه، اعم از زن و مرد دارد، هر تفکری که این حق را از زنان سلب نماید، مذموم و انحرافی است.

تعدادی از آیات قرآن به آزادی زنان برای فعالیت اقتصادی، اثبات مالکیت برای او، جواز قضاوت و حکومت اشاره مستقیم دارد؛ مانند:

از برای مردان است بهره ای از آنچه کسب کردند و از برای زنان است بهره ای از آنچه کسب کردند.^۱

و این که برای آدمی جز آنچه به سعی خود انجام داده، نخواهد بود.^۲

ای کسانی که ایمان آورده اید برای برپایی قسط قیام کنید (اعم از مرد و زن).^۳
در آیه ملکه سبا همانا در آن سرزمین زنی را یافتیم که بر مردم آن کشور پادشاهی داشت و به آن زن هر گونه دولت و زینت عطا شده بود و تخت با عظمتی داشت.^۴

گرچه در تفسیر برخی از آیات فوق الذکر گروهی، به جای مراجعه به شرح و شأن نزول نقل شده از سوی پیامبر و ائمه، به شروح و برداشت های صحابه متقدم و برخی از تابعین مراجعه نموده اند. در واقع، این گروه برداشت ها و استنباط های شخصی خود را بر مفاهیم این آیات حمل کرده، چه بسا در مواردی تنگ نظران و سوگیرانه با آیاتی که مروج مفهوم عدالت بین زنان و مردان بوده، برخورد کرده باشند. به مدد استناد به عملکرد صحابه متقدم و تابعان و استشهاد به برخی اقوال آنان، احکام سخت گیرانه ای درباره زنان صادر گردید؛ به عنوان مثال، ابراهیم نخعی پسر مالک اشتریکی از نشانه های قیامت را اطاعت مردان از زنان می دانست.^۵ مثال دیگر، از قول انس بن مالک نقل شده که سفیه در آیه ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ﴾ زنان هستند.^۶

۱. ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ﴾ (سوره نساء، آیه ۳۲).

۲. ﴿وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (سوره نجم، آیه ۳۹).

۳. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ﴾ (سوره نساء، آیه ۱۳۵).

۴. ﴿إِنِّي وَجَدْتُ أَمْرًا تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِن كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ﴾ (سوره نمل، آیه ۲۳). این آیه تمجید جناب بلقیس و تأیید تدبیر ایشان در مدیریت و حکومت داری است.

۵. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۸۸.

۶. روض الجنان و روح البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۴۷.

۲-۳. سنت جاری مسلمانان

سنت رفتاری مسلمانان نیز این نگاه جنسیتی را برنمی‌تابد. در پیشینه‌شناسی حضور مؤثر زنان می‌توان به آیاتی استناد کرد که در آن بانوان قرآنی به عنوان مثل و الگوی جامعه ایمانی معرفی شده‌اند.^۱ با وجود همه محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی از عصر نبوی تا قرون گذشته، زنان مسلمان در همه عرصه‌های علمی، سیاسی، اقتصادی، عقیدتی و اجتماعی ایفای نقش داشته‌اند.

- بانو خدیجه کبری (علیها السلام) از اولین گروندگان به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است.

- زنان در عرصه فکر و عقیده تا بذل جان زیر شکنجه استقامت داشته‌اند.

- در غزوات پیامبر و در همه ادوار حکومت‌های بعدی، به مداوای مجروحین، تهیه مهمات و سلاح، آب‌رسانی و تهیه غذا اشتغال داشته‌اند.^۲ مشارکت زنان در جنگ‌ها، فعالیت‌های متعدد آنان در پشت جبهه، همچنین فعالیت مستقیم در خط مقدم جنگ و به عنوان رزمنده و میزان تأثیرگذاری آنان در صحنه‌های نبرد از واقعیت‌های مسلم تاریخ اسلام است. این مشارکت در جنگ‌های صدر اسلام با اهداف و انگیزه‌های مختلف انجام گرفته و زنان به عنوان عنصری فعال و مؤثر و به منظور کمک‌رسانی به مردان جنگجو، هم در پشت جبهه‌ها حضور داشتند و هم به گاه نیاز، در نبرد با سپاه دشمن حاضر می‌شدند و در بسیاری از موارد، جنگ را به نفع سپاه خویش تغییر می‌دادند.

گرچه در زمان خلفای اسلامی زنی به خلافت یا ولایت عمومی نرسیده است، ولی بسیاری از زنان دربار اموی، عباسی و عثمانی در امور ولایت دخالت و نفوذ داشتند.^۳

- با وجود محدودیت‌های مختلف زنان در اغلب عرصه‌های علمی،^۴ مانند خطابه،^۵ تفسیر، حدیث و شعر^۶ حضور چشم‌گیر داشته‌اند.

۱. «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ اُنِّبْنِي لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِّنْ هَذِهِ الْقَوْمِ الطَّالِمِينَ» (سوره تحریم، آیه ۱۱).

۲. زنان در کشاکش نبرد، حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره اموی، مقاله ۴.

۳. «زن و ولایت سیاسی و قضایی»، ص ۶۹.

۴. کتبی مانند الحدائق الغناء فی اخبار النساء، تراجم شهرات النساء فی صدر الاسلام اثر ابوالحسن علی بن محمد المعافری المالقی به زندگی و افکار و اشعار زنان صدر اسلام پرداخته است. این کتاب در نه جزء توسط عائده الطیبی در لیبی به چاپ رسیده است.

۵. تراجم اعلام النساء، ص ۱۴۲.

۶. بلاغات النساء، ج ۱، ص ۱۶ و ۱۷.

۱۳۰ - تن از راویان حدیث زن هستند.^۱

- در دربار خلفا، گرچه به شکل غیرمستقیم، در امور سیاسی نقش آفرینی داشته‌اند.^۲

- در دوره‌های بعدی در تمدن اسلامی زنان از عناصر بسیار فعال در حوزه وقف بوده‌اند.^۳

- در مناطق جغرافیایی متنوع حکومت اسلامی از مغرب (مراکش) تا شام و ایران بانیان و

خیران مدرسه ساز زن به چشم می‌خورد.^۴

با وجود موارد فوق الذکر، چگونه می‌توان این گونه روایات تحقیرکننده و فرودست شمردن زنان را پذیرفت؟

نکته جالب آن‌که حتی در یک کتاب فقهی معتبر - که نویسنده آن مرد است و شرط تصدی مشاغل و مناصب را ذکوریت معرفی می‌کند و تصریح می‌کند که «در مشاغل زمامداری و ولایت در امور و تصدی شئون سیاسی و اجتماعی و قضاوت و مشاورت، با توجه به ادله و موازین اولیه از آیات و روایات و سیره مسلم دین مقدس اسلام و بلکه سایر ادیان الهی، ذکوریت و مرد بودن شرط است» - در ادامه در مبحث اجتهاد می‌نویسد:

ولی نقل در روایت و حدیث مسلماً ذکوریت شرط نیست؛ چرا که ۱۳۰ تن از راویان حدیث زن هستند که نمونه بارز آن حضرت فاطمه و ام سلمه است.^۵

با نگاهی به دور از تندروری می‌توان گفت که در عصر حضور پیامبر ﷺ هیچ‌گاه زنان از حضور در مجالس نهی نمی‌شدند؛ گرچه اصل وجود ساترو حریم همیشه مورد توجه بوده است. این حریم، ضمن آن‌که هیچ لطمه‌ای به حضور سیاسی، اجتماعی زن وارد نمی‌کرد، باعث حفظ شأن و جایگاه انسانی زن هم می‌شد. در موضوع مدیریت زنان هم می‌توان به دیدی عدالت‌محور رسید. مدیریت واجب نیست، مباح است؛ گرچه محور فعالیت‌های زن، انسان‌سازی و تربیت نسل رشدیافته‌تر است.

اساساً حذف زن از صحنه‌های اجتماعی، حاصل تفسیرهای غیرمرتبط با سیره نبوی است و باید از نسبت دادن آن به اسلام خودداری کرد. نیز عملکرد و رفتار زنان در دوره‌های تاریخ اسلام لزوماً

۱. مجمع الرسائل حاشیه صاحب جواهر، ص ۲۸.

۲. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج ۱، ص ۲۵ و ۲۶.

۳. وقف و گسترش امور درمانی، ص ۳۱.

۴. سفرنامه ابن جبیر، ص ۳۴۸.

۵. مجمع الرسائل حاشیه صاحب جواهر، ص ۲۸.

با اسلام ارتباط ندارد.^۱ شاید نتوان این روایت و سایر روایات محدود کننده زنان را جعلی دانست، ولی می‌توان آن‌ها را مبتنی بر فهم تاریخی و منطقه‌ای آن سرزمین تلقی کرد.

۳. نتیجه

۱. شرایط فرهنگی تاریخی و اجتماعی آن عصر به گونه‌ای بود که برای زن منزلتی همسان در نظر نمی‌گرفتند. برخلاف تصور عده‌ای نمی‌توان این سنت فرهنگی را برآمده از سنت یهودی دانست؛ چرا که نگاه دست دومی به زنان در میان خود اعراب وجود داشته است. جالب است بدانیم که این نوع نگاه به زنان در مکه پررنگ‌تر از مدینه بوده است.

۲. همان گونه که ایجاد و گسترش علوم اسلامی تحت تأثیر فرقه‌های کلامی (مانند اشاعره، مرجئه، قدری و معتزله) بوده، در موضوعات فرهنگی جامعه اسلامی و روایات مربوط به حوزه زنان نیز، تحت تأثیر فرقه‌های مختلف کلامی و برداشت‌های متنوع دینی صحابه و تابعین از روایات هستیم.

۳. با آن‌که در عصر حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سطح فرهنگ جامعه نوپای نبوی و ساختار ارزشی دگرگون گردید و منزلت زن ارتقا یافت، پس از رحلت پیامبر، با برگشت به ارزش‌ها و سنن جاهلی، انحراف پدید آمد. تأمل در سیر تطور این حدیث این گونه می‌نماید که برداشت‌های مفسران از آیات قرآن درباره زنان، برداشت صحابه و تابعین و تابعین تابعین از برخی روایات، منجر به صدور برخی احکام فقهی سخت‌گیرانه و خشن گردید که به مرور زمان در لایه‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی جامعه مسلمان رسوب کرد و نتیجه آن انزوای زنان، عدم حضور اجتماعی آنان و بالطبع عدم جواز اشتغال به ویژه پست‌های مدیریتی بود.

۴. با عنایت به تاریخ‌گذاری این حدیث، می‌توان ادعا کرد که در صورت صحت متن و سند، تنها به دوره تاریخی خاص تعلق داشته و شرایط زنان و ظرفیت‌های اجتماعی گذشته، باعث صدور یا رواج این روایات و گسترش مفهوم مذمت زنان گردیده است. نکته دیگر، آن‌که این روایت تنها می‌تواند ناکارآمدی زنان را در سطح حکومت و زمامداری ثابت کند، ولی نافی مدیریت‌های خُردتر نیست.

امروزه با پیشرفت‌های پدید آمده در اجتماعات بشری و بالا رفتن سطح دانش و توانایی‌های زنان و اعطای فرصت‌های برابر به همه اقشار، با رویکردی دینی متکی بر آیات

قرآن و سنت نبوی و نگاهی نوگرا به روایات، مجاز و مباح بودن مدیریت زنان مورد تأکید اغلب مسلمانان است. با مطالعه تاریخ جوامع می‌توان گفت که هرگاه مدیریت‌ها و تصمیم‌سازی‌های حساس برعهده زنان گذاشته شده، با تکیه بر سیاست‌های «مفاهمه و مخاطبه»، نرمش و آرامش را در فضای مدیریت سیاسی حکمفرما کرده‌اند؛ البته اگر آن زنان تربیت‌یافته اندیشه‌های مردانه و رویکردهای اقتدارگرایانه و جزمی نگر نبوده باشند.

۲-۲. سیره پیامبر اکرم ﷺ

اما درباره مشارکت اقتصادی یا مدیریت زنان، مراجعه به سیره شخص پیامبر اکرم ﷺ نشانگر جایگاه فوق‌العاده جامعه زنان در تفکر حضرت است. زنان در عصر حضور پیامبر، درشوراها، بیعت^۱، مهاجرت‌ها و کلیه تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، جنگ (خدمات پشت جبهه)، حتی مبارزات سیاسی با جبهه کفر در سالیان ابتدایی ظهور اسلام، حضور در مساجد، رکن اساسی محسوب می‌شدند. ولی بعد از رحلت حضرت، بتدریج حذف زنان از صحنه فعالیت‌ها آغاز شد و آرام آرام این گروه از بدنه جامعه، منفک شدند و در درون خانه‌ها محصور شدند^۲. این در حالی است که در همه توصیه‌های مهم حضرت، زنان در کنار مردان کاملاً یکسان قرار می‌گیرند. همان‌طور که در پرسش اول این مقاله تبیین شد، روایات زنان در یک سیر تاریخی که از نیمه دوم قرن اول هجری آغاز و تا قرن هشتم به طول می‌انجامد، رشد فزاینده مفاهیم محدود کننده و کنترل‌گر درمورد زنان را به نمایش می‌گذارد. به طور مثال روند اجازه خروج زنان از خانه و رفتن به مسجد همین سیر را نشان می‌دهد. با آن‌که خروج زنان و رفتن آنان به مسجد در زمان رسول خدا ﷺ امری کاملاً رایج و عادی تلقی می‌شد ولی روند اجازه بتدریج کاهش یافته و تا حصر خانگی یا حبس در خانه ادامه می‌یابد. روایاتی درباره چگونگی نماز خواندن و شرایط مسجد پیامبر از قول دو تن از همسران حضرت (ام سلمه و عایشه^۳) و حتی شرایط حضور زنان و رفت و آمد آنان وجود دارد. این ممانعت زنان حتی در سالهای اولیه پس از رحلت هم وجود ندارد ولی بتدریج سخت‌گیری آغاز می‌شود. بخاری می‌نویسد: همسر عمر بن الخطاب تمامی نمازهایش را در مسجد می‌خواند، وقتی به او گفتند عمر را ضعیف نیست؛ عمر خود پاسخ داد نمی‌توانم مانع او شوم چون دستور رسول خداست که زنان را از رفتن به مساجد منع نکنید.^۴

۱. تعداد زنان بیعت کننده به ۴۶۲ تن می‌رسد (سی سال با تاریخ، ص ۳۶۱).

۲. همان، ص ۳۶۴.

۳. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۰۲.

۴. همان، ص ۲۱۶.

کتابنامه

قرآن کریم.

- احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی، ترجمه: دکتر علی نقی منزوی، تهران: انتشارات کومش، ۱۳۸۵ ش.
- الاصول من الکافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی الرازی، تعلیقات: محمد آخوندی، طهران: مطبعه الحیدری، بی تا.
- اصول من الکافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ ق.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.
- البدایه و النهایه، اسماعیل بن کثیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- بلاغات النساء، احمد بن ابی طاهر بن طیفور، قم: نشر الشریف الرضی، بی تا.
- بهشت خانواده، جواد مصطفوی، مشهد: نشر هاتف، ۱۳۸۸ ش.
- تاریخ الطبری، محمد بن جریر طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۷۵ ش.
- تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، علی اکبر حسینی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- تحف العقول، حسن بن علی بن شعبه حرانی، قم: نشر جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
- التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، مرکز الکتب للترجمه والنشر، ۱۴۰۲ ق.
- تراجم اعلام النساء، محمد حسون، تهران: اسوه، ۱۴۲۱ ق.
- تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، آدام متز، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
- الجامع الصحیح (سنن الترمذی)، ابو عیسی محمد بن عیسی الترمذی، تحقیق: عبدالرحمن محمد بن عثمان، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
- الجمل و النصرة لسید العترة فی حرب البصره، محمد بن محمد مفید، قم: نشر کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

- حدیث اسلامی خواستگاه‌ها و سیر تطور، هارالد موتسکی، به کوشش: مرتضی کریمی نیا، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۱ ش.
- الخرائج و الجرائح، سعید بن هبة الله قطب الدین راوندی، قم: نشر مؤسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.
- الخلاف، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- روض الجنان و روح البیان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد رازی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش.
- زنان در کشاکش نبرد، حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره اموی، آذرتاش آذرنوش، زهره دهقان پور، مقاله ۴، زن در فرهنگ و هنر، زمستان ۱۳۸۸ ش، دوره اول، ش ۱.
- زن و معرفت دینی در جهان اسلام، صادق آئینه‌وند، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۱۳۹۴.
- سفرنامه، محمد بن احمد، ترجمه: پرویز اتابکی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ ش.
- سنن ابن ماجه، محمد بن یزید بن ربیع قزوینی، قاهره: نشر دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۳ ق.
- سنن الترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
- السنن الکبری، ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- سنن النسائی، احمد بن شعیب نسائی، بیروت: دارالفکر، ۱۳۴۸ ق.
- سیر اعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبی، بیروت: نشر مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ ق.
- شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، نعمان بن محمد بن حیون، قم: نشر جامعه مدرّسین، ۱۴۰۹ ق.
- شرح غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- شرح نهج البلاغه، عبد الحمید بن هبه الله بن بی‌الحدید، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۰ ق.
- الشرح و الابانه علی اصول السنه و الدیانه، ابو عبدالله عبیدالله بن محمد بن بطه عکبری، به کوشش: هانری لائوس، دمشق، ۱۹۵۸ م.
- صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت: المکتبه العصریه، ۱۴۲۲ ق.

- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- الصراط المستقیم إلى مستحقى التقديم، علی بن محمد بن یونس عاملی نباطی، نجف: نشرالمکتبه الحیدریه، ۱۳۸۴ق.
- الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، علی بن موسی بن طاووس، قم: نشرخیام، ۱۴۰۰ق.
- علل الشرائع، محمد بن علی بن بابویه صدوق، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
- عمده عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، یحیی بن حسن بن بطریق، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
- عهد عتیق، کتاب تورات، ترجمه: خان همدانی وفاضل و...، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰ش.
- عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
- کنز الفوائد، محمد بن علی کراجکی، قم: دارالذخائر، چ ۱، اول ۱۴۱۰ق.
- گنجینه ای از تلمود، ابراهام کهن، امیرحسین صدری پور، ترجمه: امیرفریدون گرگانی، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
- مجمع الرسائل حاشیه صاحب جواهر، نرم افزار جامع فقه اهل البيت، مشهد: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، علی ابن ابوبکر هيثمی، بیروت: المعارف، ۱۴۰۶ق.
- مجموعه مقالات سی سال با تاریخ، صادق آئینه وند، کتاب توت، بخش چهارم، ۱۳۹۱ش.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین نوری طبرسی، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
- المستدرک، ابوعبدالله حاکم نیشابوری، بیروت: دارالفکر، ۱۳۴۸ق.
- مسند احمد، احمد بن حنبل، بیروت: دارصادر، بی تا.
- مسند، ابوسلیمان بن داود طیالسی، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
- المصنف فی الاحادیث و الآثار، عبدالله بن محمد ابن ابی شیبه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- المصنف، ابوبکر عبد الرزاق صنعانی، بی جا، بی تا.
- معالم التنزیل فی تفسیر القرآن بغوی، ابن فزأ، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
- معجم الاوسط، سلیمان بن احمد الطبرانی، نشر دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.

- وقف و گسترش امور درمانی، نزهت احمدی، قم: کومه، ۱۳۸۷ش.
- «بررسی روایی مدیریت زنان»، علی آقاپیروز، فصل نامه مطالعات راهبردی زنان/کتاب زنان سابق، سال هیجدهم، تابستان ۱۳۹۵ش، پیاپی ۷۲، ص ۳۳-۵۶.
- «بررسی کاربرست روایات نقصان عقل در موضوع مدیریت زنان»، علی آقاپیروز، مجله اسلام و مدیریت، بهار و تابستان ۱۳۹۵ش، شماره ۸ و ۹، ص ۱۰۳-۱۳۲.
- «تاریخ‌گذاری حدیث لن یفلح قوم ولوا امرهم امراه»، معصومه ریعان، محمد کاظم رحمان ستایش، علوم قرآن و حدیث، بهار ۱۳۹۴ش، شماره ۷۵، ص (۲۰-۴۰).
- «زن و ولایت سیاسی و قضایی»، محمد مهدی آصفی، فقه اهل بیت، بهار و تابستان ۱۳۸۵ش، ش ۴۲، ص (۴۷-۱۰۰).
- «موانع دستیابی زنان به پست‌های مدیریت»، محمد رحیم اسفیدانی، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۷ش، ص ۱۳۷-۱۵۵.